



آتش به اختیار

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

معاونت پژوهش و آموزش

مدیریت طرح‌های پژوهشی

۱۳۹۶

فهرست

فهرست

- ۳..... پیش‌گفتار
- ۴..... چکیده
- ۵..... ۱. طرح مسئله
- ۷..... ۲. چپستی آتش به اختیار
- ۷..... ۲,۱. تبارشناسی آتش به اختیار
- ۸..... ۲,۲. تعریف آتش به اختیار
- ۸..... ۲,۲,۱. کار فرهنگی
- ۱۱..... ۲,۲,۲. خودجوش
- ۱۳..... ۲,۲,۳. تمییز
- ۱۸..... ۲,۲,۴. قرارگاه مرکزی
- ۲۰..... ۲,۳. خاستگاه آتش به اختیار
- ۲۳..... ۳. ضرورت راهبرد آتش به اختیار
- ۲۵..... ۴. فلسفه استفاده از تعبیر نظامی در عرصه‌ی فرهنگ
- ۲۷..... ۴,۱. شواهد دینی استفاده از ادبیات نظامی در عرصه‌ی فرهنگ
- ۳۰..... ۵. چرایی طرح مفهوم آتش به اختیار
- ۳۰..... ۵,۱. اختلال

- ۵,۲. تعطیلی ۳۲
- ۵,۳. انقطاع ۳۴
- ۵,۴. فن آوری استخراج و به کارگیری ظرفیتها ۳۵
- ۵,۵. پیوستگی جامعه‌ی ولایی و نفی دیوان سالاری فرهنگی ۳۶
- ۵,۶. رشد و بالندگی جناح فرهنگی مؤمن انقلابی ۳۷
۶. مرزشناسی آتش‌به‌اختیار ۳۹
۷. مخاطب آتش‌به‌اختیار ۴۰
۸. یک آسیب در فرهنگ سیاسی ما ۴۲
۹. چند مصداق آتش‌به‌اختیار ۴۳
۱۰. آتش به اختیار در کلام امام خمینی ۴۵
- نتیجه گیری ۴۶
- فهرست منابع ۴۷

باسمه تعالی

تأملی در مفهوم آتش به اختیار

پیش‌گفتار

گفتمان معاصر، عنوان سلسله نوشتارهایی است در تبیین کلیدی‌ترین مفاهیمی که مورد نیاز جامعه‌ی امروز ماست و در بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی مورد توجه یا اشاره قرار گرفته است.

این نوشتارها بر آن است که ترسیمی جامع، مستند، کوتاه و ساختارمند در باب این مفاهیم ارائه دهد تا تفسیری متقن و معتبر از این مفاهیم، پیش روی اندیشه‌ورزان و فعالان جبهه فکری انقلاب اسلامی قرار داشته باشد. این نوشتارها با مراجعه به بیانات معظم‌له با هدف اصطیاد و استنباط محورهای برجسته‌ای که در درک عمیق منطق و روند انقلاب اسلامی مؤثر است، توسط کارگروهی در مدیریت طرح‌های پژوهشی معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی) تدوین شده است.

از پیشنهادات و نظرات خوانندگان ارجمند برای تکمیل این نوشتارها استقبال می‌کنیم.

چکیده

کاربست ولایت فقیه به مثابه امتداد خط نبوت و امامت، استخراج و شکوفایی ظرفیت‌ها و به تعبیر امیرالمومنین (ع) اثاره‌ی عقول است، چرا که در اندیشه‌ی اسلامی، مردم مانند معادن طلا و نقره‌اند: «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة» پس فن آوری استخراج و اکتشاف این معادن، در دست مریبان و رهبران جامعه‌ی اسلامی است. آتش به اختیار به معنای: کار فرهنگی خودجوش و تمییز، یک راهبرد دائمی و اساسی و الگوی مطلوب مدیریت فرهنگی و شکوفایی ظرفیتهای مردمی است. انقلاب اسلامی ایران از آن جایی که ماهیتش فرهنگی است - البته این به معنای تک بعدی بودن آن نیست، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی هم در آن ملحوظ است - اساسا یک کار فرهنگی خودجوش و تمییز است. به همین خاطر آتش به‌اختیار را می‌توان، یک راهبرد ضروری در پیدایی و همچنین در پایایی انقلاب دانست. در این پژوهش، پس از ردیابی استعمال ادبیات جنگ سخت در میدان جنگ نرم، شواهدی از آیات و روایات را ارائه کرده‌ایم، در ادامه به تعریف شرح الاسمی آن و بالتبع به تحلیل و نقد تعاریف انحرافی پرداخته‌ایم. تبیین زمینه‌ها و علل سلبی و ایجابی طرح این مفهوم با این ادبیات، بخشی دیگر از پژوهش حاضر است، چرا که معتقدیم، آتش به‌اختیار همان‌طوری که گفته شد؛ تاکید امر سابق است نه تاسیس امر جدید. البته شیوه‌ی طرح یک مفهوم در جامعه، بسته به متغیرهای درونی و بیرونی و پیوستگی یا انفصال سطوح مختلف (راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی) در برهه‌های مختلف زمانی، دارای مراتبی از اهمیت است که حسب اقتضای قواعد بلاغت، متفاوت می‌گردد. مرزشناسی و همچنین مخاطب شناسی آتش به اختیار در فهم درست این مفهوم تاثیر بسزایی خواهد داشت.

۱. طرح مسئله

اصطلاح نظامی «آتش به اختیار» که یکی از نواندیشی‌های رهبر معظم انقلاب است که برای اولین بار - با رویکرد فرهنگی - در ضیافت رمضانی دانشجویان و افسران جنگ نرم مطرح گردید:

«توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه است. نگوئید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شنفتم این را که بعضی‌ها میگویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید»

به نظر می‌رسد قبل از پرداختن به مفهوم «آتش به اختیار» ذکر یک نکته‌ی بسیار مهم در مورد گفتمان^۳ سازی مفاهیم انقلاب لازم و ضروری است؛

گفتمان سازی یکی از رسالت‌های مهم نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی یک جامعه‌ی بیدار و سرزنده است که سالهاست مورد مطالبه‌ی رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است، به ثمر رسیدن این فرایند مهم و ایفای نقش «فرهنگ سازی» آن، مستلزم رعایت قواعد و الزامات مقتضی آن است، به نظر می‌رسد اولین مرحله‌ی این فرایند حیاتی که از سنخ «مهندسی فرهنگی» است، تدوین یک نظام گفتمانی- از کلان به خرد^۴ مبتنی بر اولویت‌هاست که بر محور یک منظومه‌ی فکری، شکل می‌گیرد. چرا که هر فعل رونمایی باید مبتنی بر یک زیربنای متقن و مستحکم باشد. غفلت از این مسئله، بدون شک موجب آسیب‌های متعددیست که از جمله‌ی آنها؛ نگاه «تک‌گزاره‌ای» و غیر نظام مند به برخی مفاهیم و مولفه‌های فرهنگی است.

بر همین مبنا، مفهوم «آتش به اختیار» - که یک اصطلاح نظامی است- را می‌توان ذیل گفتمان کلان «جهاد» که خود دارای خرده گفتمان‌هاییست؛ مانند «جنگ نرم و تهاجم فرهنگی» و «کار فرهنگی خود جوش و تمیز» تنظیم کرد. ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که باید توجه داشت که دو گفتمان «جهان بینی توحیدی» و «عدالت و پیشرفت» از گفتمان های اصلی انقلاب هستند که به تعبیری می‌توان این دو را روح تمام گفتمان‌های انقلاب تلقی کرد که تحقق متوازن تمام گفتمان‌های انقلاب متوقف بر فهم صحیح این دو گفتمان و حرکت در مسیر آنهاست.

۳. گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر بشود. (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۰۹/۲۲)

مفهوم آتش به اختیار، اگر به صورت بسته‌ای و نظام مند تحلیل نشود و صرفاً با نگاه «تک گزاره‌ای» و منقطع از سایر گزاره‌ها بازخوانی شود، منجر به قرائتهای ناهمگون، متناقض و سطحی خواهد شد که در نتیجه، مفهوم را از «حیز انتفاع» خواهد انداخت. در این نوشتار بر آنیم که گزاره‌ها و مفاهیم طولی و عرضی مرتبط با این اصطلاح را به صورت به هم پیوسته در کنار هم قرار دهیم تا به فهم جامع و صحیحی از این مفهوم راهگشا برسیم.

۲. چستی آتش به اختیار

در این بخش کلیدی‌ترین مفاهیم که فهم پژوهش به تعریف آنها وابسته است، با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب مورد تبیین قرار می‌گیرند.

۲.۱. تبارشناسی آتش به اختیار

در تبارشناسی این اصطلاح در می‌یابیم که «آتش به اختیار» یک اصطلاح نظامی است. گاهی فرمانده واحد نظامی فرمان «آتش» می‌دهد. فرمان «آتش» یعنی شلیک بی درنگ و بلافاصله‌ی گلوله به سمت هدف مورد نظر به دستور فرمانده ناظر و مرتبط با میدان. شرایط فرمان آتش، اما همواره برای فرماندهان مهیا نیست؛ به همین منظور گاهی فرمانده به دلیل در موقعیت و شرایط خاص قرار گرفتن، از فرمان مستقیم آتش صرف نظر نموده و فرمان «آتش به اختیار» را صادر می‌کند تا سرباز و واحد تحت امر او اگر نتوانست با فرمانده خود ارتباط برقرار کند، آزادی عمل داشته باشد و در موقعیت مناسب، هدف را شناسایی و اقدام به تیراندازی کند. «آتش به اختیار» ترجمه عبارت Fire at will است که به واحدهای نظامی (اعم از گروهان، دسته و افراد، بسته به شرایط و موقعیت) دستور

۵Fire at will

میدهد تا سلاح خود را با زمان بندی خود، به سمت هدف مورد نظر بکار گیرند. در واقع این دستور، در تصمیم گیری، زمان بندی و نحوه تیراندازی به سوی هدف، به سرباز اجازه عمل گسترده میدهد.

۲,۲. تعریف آتش به اختیار

به نظر میرسد برای تعریف شرح الاسمی آتش به اختیار، ابتدا باید مفاهیم مندرج در این مفهوم مرکب، بازشناسی شوند: «آتش به اختیار، به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است»، تعریف موجز و دقیقی که معظمله به عنوان واضع این مفهوم - در عرصه‌ی فرهنگ - ارائه کردند، مشتمل است بر مفاهیم کلیدی و مهمی که بیانگر ماهیت (فرهنگی)، قالب (خودجوش) و الزامات (تمییز) و بایسته‌های آن است. به عبارتی دیگر آتش به اختیار یک فعل یا کنش اجتماعی است با ماهیت «فرهنگی»، در قالب یک فعالیت تشکیلاتی «خودجوش»، توأم با یک سری الزامات و بایسته‌ها که منجر به یک فعالیت «تمییز» میشود. لذا بسط و تبیین درست مفهوم «آتش به اختیار» مستلزم فهم دقیق مفاهیم ذیل است:

۲,۲,۱. کار فرهنگی

«کار فرهنگی» یک ترکیب وصفی است که جنس تعریف آتش به اختیار را مشخص می‌کند. ارائه تعریف درست «کار فرهنگی»، وابسته به تعریف صفت آن، یعنی «فرهنگ» است. فرهنگ یکی از مفاهیم «سهل و ممتنع» است؛ سهل است چون عوام هر کدام به مقتضای درک خود برداشتی از آن دارند و معمولاً یکی از واژه‌های پر بسامد در زندگی روزمره‌ی آنهاست. چه بسیار افرادی که همدیگر را به داشتن آن تحت عنوان «با فرهنگ» مدح و تمجید میکنند و فقدان آن را با عباراتی نظیر «بی فرهنگ» تقییح و سرزنش میکنند، خود این

۶ خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۶/۰۴/۰۵ (شبهه استناددهی به بیانات حضرت آقا، باید مطابق نمونه زیر باشد):
بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر: ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

استعمالات نشان دهنده‌ی روشن بودن معنای آن در نزد همگان است. اما ممتنع است از این حیث که در عین سهولت درک آن، تعریف جامع و مانعی از آن با توجه به بینش‌ها و ارزشهای متفاوت افراد، کار دشواری است. حدود پانصد معنا برای واژه «فرهنگ» از سوی جامعه‌شناسان ذکر شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۵۰) در این میان فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد»، منطقی‌ترین تعریف از سوی برخی علمای اسلامی شناخته شده است. (همان، ص ۱۵۱) فرهنگ به معنای عام در نگاه رهبر معظم انقلاب عبارت است: از ایمان، باورها، خُلقیات، روحیات، ذاتیات و تفکرات انسان که الهام‌بخش او در حرکات و اعمالش می‌باشد و او را به کار وادار می‌کند.^۷ اما فرهنگ معنای خاصی نیز در بیان معظم‌له دارد؛ به این معنا که «هرجا می‌گوییم فرهنگ، مقصود ما از فرهنگ، یعنی فرهنگ انقلابی، فرهنگ اسلامی؛ یعنی ایجاد حرکت فرهنگی بر مبنای اسلام و بر مبنای ارزشهای اسلامی و حرکت دادن جامعه به معنای حرکت فرهنگی به سمت اهداف اسلامی، تقویت فرهنگ اسلامی و باور اسلامی و آداب اسلامی و اخلاق اسلامی و سنتهای اسلامی؛ فرهنگ این است.»^(۱۳۹۳/۰۳/۰۴) به این ترتیب کار فرهنگی مطلوب و مدنظر این نوشتار بر مبنای دیدگاه رهبر معظم انقلاب طبعاً به آن کاری اطلاق می‌شود که اولاً محتوا و روح فرهنگی داشته باشد و ثانیاً رشد دهنده باشد و بتواند فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف انسان به وجود آورد.^۸ در واقع می‌توان کار فرهنگی را به منزله روح برای جسم دانست؛ یعنی کار غیرفرهنگی اعم از

۷. «فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبه‌روست.» (۱۳۶۹/۰۱/۱۰) «فرهنگ یعنی خلقیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش.» (۱۳۸۳/۱۰/۱۷) «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است.» (۱۳۹۳/۰۱/۰۱) و ر.ک: بیانات ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

اقتصادی و اداری و علمی و... جسمی است که روح و جان آن، کار فرهنگی است.^۹

در یک تقسیم بندی کلی میتوان کارها را به دو دسته‌ی فرهنگی و ضد فرهنگی تقسیم کرد و این چنین گفت که در جمهوری اسلامی اساسا کار غیر فرهنگی نداریم و کارها از دو حالت خارج نیستند: یا فرهنگی هستند که منجر به رشد و رویش و صلاح میشوند یا ضد فرهنگی‌اند که نتیجه‌ای جز گمراهی و فساد ندارند؛ این تشبیه بسیار پر معنای رهبر معظم انقلاب، شاهد خوبی بر صدق این تقسیم بندی است: «کارها و اقدامات فرهنگی همچون شمشیر دو دم است، اگر همراه با محتوای خوب باشد، بستر اصلاح جامعه خواهد بود، اما اگر با محتوای نامناسب باشد، بستر گسترش نابسامانی و کژی خواهد شد.»^{۱۰} این است معنای اصالت فرهنگ و زیر بنا بودن آن در منظومه‌ی فکری رهبر معظم انقلاب؛ لذا فرهنگ متصف به همه‌ی حوزه‌های دیگر میشود. ترکیباتی مانند؛ فرهنگ سیاسی و فرهنگ اقتصادی ناظر به این حقیقت است. شاید به همین خاطر است که در دل کار فرهنگی - به دلیل همین اصالت و زیر بنا بودنش - کار سیاسی و اقتصادی هم نهفته است.

آسیبی که وجود دارد این است که در بعضی موارد ما فرهنگ را در لایه‌ی کنشی بدون اتصال و پیوستگی با لایه‌های بینشی و ارزشی در نظر میگیریم، لذا کارهایی را که ظاهر و لباس فرهنگی دارند را هم کار فرهنگی به حساب

۹. «...کار فرهنگی را این‌طوری تشبیه کنید. مثلاً فرض کنید اگر در کردستان، آن قدری که الآن کار عمرانی و کار نظامی شده است، در کنار این کارها، یک ثلث آن، کار فرهنگی کرده بودید، نتیجه بهتری به دست می‌آمد. خیلی از شما سباهی هستید و این حرفها را می‌دانید. آن کار اقتصادی و مادی ما، جسمی است که روح و جان آن، کار فرهنگی است. اگر آن را غلط انجام دادیم، مثل این است که جسمی داریم با روح بد. اگر انسانی را به وجود آوردیم و بزرگ کردیم، منتها با روح و مغز شیطانی، چه فایده‌ای دارد؟» (۱۳۶۹/۰۷/۲۴)

۲۳/۱۰/۱۳۹۲. ۱۰

می‌آوریم: «کار فرهنگی، آن چیزی نیست که لباس فرهنگی دارد. لباس فرهنگی، یعنی نوشته و کاغذ و قلم و امثال این‌ها. این، فرهنگ می‌شود؛ اما کار فرهنگی نیست. کار فرهنگی، یعنی روح فرهنگی در آن باشد، یک حرکت فرهنگی باشد، رشد بدهد و فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف انسان به وجود آورد. اگر شما مدرسه درست کردید، ولی این مدرسه در روح کودکی که هدف و آماج کار تبلیغی شماست، اثر مثبت نگذاشت، این کار چیست؟ می‌توانید ادعا کنید که کار فرهنگی است؟ نه، این، ضد کار فرهنگی است.»^(۱۳۶۹/۱۰/۲۳) بدیهی است که کاری که زیربنای بینشی و ارزشی نداشته باشد منجر به یک کنش فرهنگی جهت‌دار و ارزشی نخواهد شد. لذا وقتی می‌گوییم آتش به اختیار یک «کار فرهنگی» است، به معنای کنش‌گری فرهنگی صرف و بدون پایه نیست، بلکه آتش‌به‌اختیار عبارت است از: کنش‌گری فرهنگی برای ترویج و بسط ارزشها که مبتنی بر یک زیر بنای بینشی و ارزشی درست است. از همین روست که کارهای اقتصادی و سیاسی هم زمانی که با جهت‌گیری درست و برای پیشرفت و اعتلای نظام و انقلاب صورت می‌گیرند، تحت شمول کار فرهنگی (به معنای عام) قرار می‌گیرند؛^۲ چون روح فرهنگی دارند.

۲،۲،۲. خودجوش

وصف خود جوش، ناظر به تشکلهای فرهنگی (به معنای عام)^۳ است که در عین کثرت، نقطه‌ی وحدت آنها، اعتقاد به مبانی انقلاب اسلامی است: «من

۱۲. «اینکه ما گفتیم آتش به اختیار، فقط مخصوص کارهای فرهنگی نیست، در همه‌ی زمینه‌هایی که برای پیشرفت کشور مؤثر است جوانها میتوانند نقش‌آفرینی کنند. این یکی از امکانات ما است.» بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی: ۰۱/۰۱/۱۳۹۷

۱۳. این عنوان می‌تواند شامل عناوینی مانند: سازمان، انجمن، گروه، جامعه، مجمع، جمعیت، جبهه، جنبش، تشکل، هسته، کانون، هیئت و... باشد، چرا که وجه جمع همه‌ی اینها مردمی بودن و غیر دولتی بودن (به صورت وابستگی مطلق) است. (برای تعریف عمده‌ی عناوین مذکور رجوع کنید به: تحزب و تشکل از دیدگاه علمی و تاریخی، دکتر بادام چیان، نوبت دوم، تابستان ۹۰، نشر اندیشه ناب)

تشکلهایی را میگویم که تحت هر نامی، معتقد به انقلابند، معتقد به دینند، معتقد به نظام اسلامی‌اند، معتقد به این مبارزه‌ی عظیمند؛ تحت هر نامی که هستند فرق نمیکنند؛ خطابم به آنها است.»^{۱۴}

نکته‌ی مهم این است که با توجه به کارکرد ولایت که حفظ پیوستگی بین توده‌های مختلف جامعه‌ی ولایی بر مبنای ارزشهای اسلامی است^{۱۵} کار خودجوش به معنای انفصال مطلق از مجموعه‌های دولتی نیست. بلکه به معنای جوشش درونی و اتکاء و تمرکز بر ظرفیت‌های فردی و جمعی است، در این صورت کارها معلق و مشروط به اقدام و پشتیبانی مستقیم دولتمردان نمی‌ماند، هر چند حالت مطلوب و ایده آل جامعه‌ی ولایی و نظام امامت و امت، پیوستگی حداکثری و هماهنگی در سطوح مختلف؛ راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در جهت تحقق اهداف جمعی است. در واقع کار خودجوش یعنی یک کار درون‌زا و جوشی توأم با برون‌گرایی و تعامل با دستگاه‌های ذریبط در صورت امکان و پذیرش.

رهبر معظم انقلاب^{۱۶} همواره در مقام تأمین پیوستگی حداکثری جامعه، به صورت توأمان، از طرفی ظرفیت سرشار و خودجوش توده‌های مردمی مخصوصاً جوانان^{۱۷} را به میدان فراخوانده‌اند و از طرفی دیگر وظایف و تکالیف خطیر مسئولین و دستگاه‌های دولتی^{۱۸} را در قبال این مجموعه‌های خودجوش مردمی، متذکر شده‌اند:

«این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی میکنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار میکنند، خودشان فکر میکنند، خودشان تلاش میکنند و کار فرهنگی میکنند -

۱۴. ۱۷/۰۳/۱۳۹۶

۱۵. برای توضیح بیشتر رجوع شود به فصل چهارم کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

۱۶. به عنوان عالی‌ترین سطح راهبردی نظام

۱۷. به عنوان سطوح عملیاتی جامعه

۱۸. به عنوان سطوح تاکتیکی نظام

روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمانها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها میتوانند کار کنند و دارند کار میکنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام می‌گیرد.»^{۱۹}

۲،۲،۳. تمییز

مفهوم «تمییز» بیانگر الزامات و بایسته‌های آتش به اختیاری است که مشتمل است بر:

قانون‌گرایی: در یک نگاه کلان، «آتش‌به‌اختیار» یکی از راهبردهای حفظ نظام و متفرع بر آن است. در منظومه فکری امام خامنه‌ای، «حفظ نظام، یعنی حفظ همه‌ی ارزشهایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها میداند؛ مثل عدالت، مثل پیشرفت، مثل معنویت، مثل علم، مثل اخلاق، مثل مردم‌سالاری، مثل قانون‌گرایی، مثل آرمان‌گرایی» قانون‌گرایی هم همانگونه که ذکر شد، یکی از ارزشهای نظام اسلامی است که از اول مبنای انقلاب اسلامی بر آن بوده است. بَدیهی است که برای حفظ یک نظام ارزشی نمیتوان از یک ضد ارزش

۱۹. ۱/۱/۱۳۹۵.

۲۰. «هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه‌پرسی درباره‌ی نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون اساسی نوشته شود... هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود... این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود... این را باید معتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسئولیت‌های قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.» بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)؛

۱۴/۳/۱۳۸۰

استفاده نمود. ضمن اینکه در تفکر رهبر معظم انقلاب، «مقررات، تبلور همین تفکر انقلابی است».^{۲۱} به همین خاطر نمی‌توان آتش‌به‌اختیار را - همانگونه که بسیاری از معاندین معنا کردند^{۲۲} به معنای هرج و مرج طلبی، خودسری و بی-قانونی معنا کرد:

«آتش‌به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیّت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]؛ این مراقبت‌ها در درجه‌ی اول متوجه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایلند که کشور به سمت هدفهای خود حرکت بکند.»^{۲۳} ۰۵/۰۴/۱۳۹۶

عقلانیت انقلابی: رابطه‌ی انقلابی‌گری و عقلانیت نه تنها رابطه‌ی تنافی و تضاد نیست، بلکه لازمه‌ی ذاتی انقلابی‌گری، عقلانیت است و همچنین بالعکس. ترابط این دو مفهوم در هم تنیده و ناگسستنی در حدی است که میتوان گفت خاستگاه انقلاب اسلامی حدوثاً و بقاء عقلانیت است و اساساً عقل است که دعوت‌گر مومن به تکاپو و تلاش برای عبور از وضع موجود در جهت نیل به وضعیّت مطلوب بر مبنای یک آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است.

۲۱. به هیچ وجه نگذارید که بین شما و مسؤولان دانشگاهها، معارضه و درگیری و ستیزه‌جویی به وجود آید. معیار و ملاک، مقررات است. مقررات را دقیقاً رعایت کنید - مقررات، تبلور همین تفکر انقلابی است و جهت‌گیری انقلابی در آن تبلور پیدا میکند - تا ان‌شاءالله خداوند متعال کمک کند. بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی
تاریخ: ۱۵/۰۹/۱۳۷۵

۲۲. به عنوان مثال محسن کدیور در یادداشت خود نوشت: «آتش به اختیار تشویق به اعمال خودسرانه و تقابل منتقدان با دولت و جمهوریت قلمداد شده است!» (منبع خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، شنبه، ۲۰ خرداد ۱۳۹۶)

ایفای درست نقش آتش به اختیاری به مثابه یک کنش‌گری انقلابی در گرو اندیشه بنیان بودن و کار کارشناسی و هوشمندانه و استفاده از منطق مستحکم^{۲۳} است؛ چرا که اساساً مخاطب آتش به اختیار در کلام رهبر انقلاب، «صاحبان فکر و اندیشه»^{۲۴} و «هسته‌های فکری و عملی جهادی»^{۲۵} هستند: «آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند.»

قدرت تحلیل: قدرت تشخیص و شناخت تکلیف، در شرایط گوناگون و فهم نیاز لحظه‌ها مستلزم وجود یک اجتهاد انقلابی است که این اجتهاد و کوشش در شناخت وظیفه، برای افسر جوان جنگ نرم، باعث اتخاذ راهبرد متناسب با آن و ایفای نقش درست آتش به‌اختیاری خواهد گردید:

«دانشجوی انقلابی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد؛ این را شما بدانید. یعنی دانشجویهای مسلمان، هم در مباحثات توانستند دانشگاه را فتح کنند، هم در مبارزات جنگی؛ یعنی در همین اتفاقاتی که افتاد، دانشجویها توانستند دانشگاه را فتح کنند؛ بعد هم که خوب به تعطیلی دانشگاه و مانند اینها [انجامید]. منتها [بعد]

۲۳. اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور - که بحمدالله تعداد بی‌شماری از آنها در بین جوانهای ما، در بین صاحب‌نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما حضور دارند - میتواند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشانند. مربوط به: بیانات در حرم مطهر رضوی تاریخ: ۰۱/۰۱/۱۳۹۳

۲۴. آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۰۵/۰۴/۱۳۹۶

۲۵. «من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش به‌اختیار» بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان «۱۷/۰۳/۱۳۹۶»

در بین خود مجموعه‌ی دانشجوی مسلمان، یک اختلالاتی به وجود آمد. دانشجوی مسلمان، دانشگاه را فتح کرد، لانه‌ی جاسوسی را فتح کرد اما خودش از درون مغلوب شد! این به نظر من نکته‌ی قابل توجهی است. چرا؟ برای خاطر اینکه دچار ضعف تحلیل و ضعف محتوا بود؛ هیجانات بود، خیلی هم تند - بعضی از بچه‌های دانشجوی در آن روز، ماها را که آن وقت تازه از زیر زندان و تبعید و این قبیل چیزها بیرون آمده بودیم، انقلابی نمیدانستند؛ یعنی در مقام قضاوت، ماها را تخطئه میکردند؛ همینهایی که الان هم هستند؛ حالا بعضی‌هایشان هنوز هم هستند؛ یعنی واقعاً اُرتدُکس [بودند]، یک انقلابی اُرتدُکس سفت و سخت، خیلی قرص و محکم - منتها آن ذهنیت، از محتوای لازم خالی بود، [لذا] در یک نقطه‌ی حسّاسی ضربه خورد. خب، حوادث زیاد است؛ دیگر من نمیخواهم مرور کنم، [فقط] خواستم یک اشاره‌ای بکنم به ریشه‌های حوادث دانشگاه^{۲۶}

کار تشکیلاتی: توجه به این نکته بسیار مهم است که فعل آتش‌به‌اختیار باید در درون تشکیلات جانمایی شود. در منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب، کار جبهه-ای و تشکیلاتی از فرائض هرگونه کار مردمی است: «تشکیلات یکی از فرائض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال میکنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی تقسیم وظائف، یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره‌ای کارکردن؛ این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست، بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمیرود؛ انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد.»^{۲۷}

به این خاطر آتش‌به‌اختیار ناسخ کار تشکیلاتی نیست، بلکه مقوم و مکمل آن است و اصل بر این است که هرگونه کنش‌گری فرهنگی در درون تشکیلات

۲۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

۲۷. آیت‌الله خامنه‌ای، مصاحبه با روزنامه اطلاعات: ۱۳۶۰/۱۱/۲۷

صورت پذیرد، مگر جایی که تشکیلات وجود ندارد که در این صورت باید کار هدفمند و جهت‌دار برای بسیج توده‌ها انجام پذیرد، شبیه کاری که معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی^(ه) در ابتدای مسیر پر تلاطم انقلاب انجام دادند و شاید دلیل تقدم «مثنی» بر «فردای» در آیه‌ی ۴۶ سوره شریفه‌ی سبأ «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى» همین اصالت کار تشکیلاتی و تقدم آن بر کار فردی باشد.

توجه به حفظ آرامش و امنیت کشور: «امنیت و آرامش برای یک کشور، جزو مهمترین خواسته‌ها و مفیدترین عواید یک ملت است. در قرآن کریم، خدای متعال در سوره‌ی فتح - که فتح مسلمانان را برای پیغمبر و برای مردم، به صورت یک نعمت بزرگ معرفی میکند - میفرماید: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الزَّمَهُم كَلِمَةً التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَ أَهْلُهَا»؛ به عنوان یک نعمت بزرگ، نزول سکینه‌ی الهی را بر جامعه‌ی اسلامی ذکر میکند. سکینه یعنی آرامش، یعنی اطمینان، یعنی آن طمأنینه‌ای که وجود دارد. یک وقت در میان یک ملتی تلاطم هست، آرامش وجود ندارد؛ همه نسبت به هم بدبین، همه نسبت به یکدیگر ستیزه‌گر؛ دستگاه‌های حاکم در مقابل مردم، مردم در مقابل دستگاه‌های حاکم؛ یک چنین کشوری که دارای امنیت نباشد، نمیتواند نه در علم، نه در اقتصاد، نه در صنعت، نه در عزت ملی، خودش را به پیش و به جلو بکشد؛ اما وقتی استقرار و امنیت و آرامش در یک کشور بود، ملت فرصت پیدا میکند که آمادگی‌های خود را، استعداد‌های خود را بروز دهد؛ همچنان که شما می‌بینید علی‌رغم تهدیدهای دشمنان، تحریم‌های دشمنان، خباثت‌های دشمنان، ملت ایران و جوانان عزیز ما توانسته‌اند در میدان‌های گوناگون، خود را نشان

دهند؛ عظمت خود را، استعداد خود را، آمادگی خود را در زمینه‌های مختلف به رخ دنیا بکشند؛ این به برکت ثبات است.»^{۲۸}

۲،۲،۴. قرارگاه مرکزی

در تعریف قرارگاه فرهنگی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول ناظر به مصداق‌یابی قرارگاه مرکزی در بیانات رهبر معظم انقلاب است که در واقع تعریف مصداقی از قرارگاه مرکزی است و رویکرد دوم ناظر به مفهوم‌شناسی قرارگاه مرکزی از طریق احصاء کارکردها، رسالت‌ها و سپس تسری جایگاه آن به نسبت میدان عملیات افسران جوان است که این تعریف را می‌توان تعریف کارکردی دانست. به نظر می‌رسد، ارائه‌ی تعریف درست از قرارگاه فرهنگی، با عنایت به کارکردها و رسالت‌های آن، قبل از ورود به تعیین مصداق آن، راه‌گشا تر است.

با توجه به سرشت فرهنگ - که حاکمیت‌پذیر و منقبض نیست - سبک مدیریت در کارهای فرهنگی نیز بالتبع، اقتضای خواهد داشت. در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب، نقش و کارکرد قرارگاه مرکزی فرهنگ و دستگاه‌های فرهنگی به مثابه حلقات مکمل، تسهیل‌گر و الهام‌بخش فعالیت‌های خودجوش تعریف می‌شود.^{۳۰} پس تعریف کارکردی قرارگاه مرکزی فرهنگ عبارت است از: دستگاهی که

۲۸. بیانات در اجتماع مردم شیروان. ۲۴/۰۷/۱۳۹۱

۲۹. قرارگاه عملیاتی (operational headquarter) قرارگاهی است که عمدتاً با فرماندهی و کنترل اجرای مأموریت‌های عملیاتی سروکار دارد. (فرهنگ واژه‌های نظامی، رستمی محمود، انتشارات ایران سبز، چاپ دوم ۱۳۸۶، تهران، ص ۶۳۱)

۳۰. «با توجه به رویش‌های معتنا به و جوشش‌های فراوان فعالیت‌های فرهنگی در سطوح مردمی، خصوصاً جوانان مؤمن و انقلابی، دستگاه‌های فرهنگی نظام و در رأس آنها شورای عالی انقلاب فرهنگی باید نقش حلقات مکمل و تسهیل‌گر و الهام‌بخش را در فعالیت‌های خودجوش و فراگیر مردمی عرصه‌ی فرهنگ برای خود قائل باشند و موانع را از سر راه آنها کنار بزنند». مربوط به: حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی تاریخ: ۲۶/۰۷/۱۳۹۳

حلقه‌ی مکمل، تسهیل‌گر و الهام‌بخش فعالیت‌های خودجوش و مردمی در عرصه-
ی فرهنگ است.

این قرارگاه در نسبت با فضای مجاهدتِ افسران جوان، در هر میدانی قابل
تسری است؛ در واقع با جغرافیایی که ولایت ترسیم می‌کند، مرکزیت عالم برای
شخص مکلف، دائر مدار وظیفه و تکلیف است: «در جمهوری اسلامی، هر جا که
قرار گرفته‌اید، همان‌جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما
متوجه است.»^{۳۱}

پس از شناخت تعریف کارکردیِ قرارگاه مرکزی، به تعریف مصداقی آن می-
پردازیم؛ با تأمل در فرمایشات رهبر معظم انقلاب، شورای عالی انقلاب فرهنگی
را - که از ابتکاراتِ با برکت^{۳۲} امام راحل بود - میتوان در مهندسی فرهنگی
کشور، قرارگاه مرکزی دانست، همان طوری که مقام معظم رهبری این جایگاه
را برای این شورا تعریف نموده‌اند: «آنچه من در این بخش که مربوط به شورا
است میخواهم تأکید بکنم بر آن، این است که اعضای شورا بایستی این شورا را
باور کنند؛ باور کنید که اینجا قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور است؛ باور کنید که
اینجا فرماندهی مسائل عمده‌ی فرهنگی کشور و سیاست‌گذاری کشور را بر
عهده دارد؛ اعضا بایستی به این توجه کنند. حضور مستمر، چه حضور اعضا
به‌طور استمرار، چه حضور خود شورا، یعنی شورا تعطیل‌بردار نیست. خب، رؤسای
کشور طبعاً مسافرت دارند، اینجا و آنجا رفت‌وآمد میکنند؛ این نباید موجب بشود
که شورا تعطیل بشود، شورا باید استمرار پیدا کند؛ یعنی همین سازوکار مدیریت
شورا که پیش‌بینی شده به‌خاطر این است که این شورا هرگز نباید تعطیل بشود.

۳۱. بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ۵/۱۲/۱۳۷۰

۳۲. «شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از آن ابتکارات واقعاً بابرکت امام بزرگوار بود.» (۱۹/۰۹/۱۳۹۲)

این هم یک مسئله است که مربوط به این شورا است.^{۳۳} «در جای دیگری معظم له از این شورا به قرارگاه اصلی فرهنگ تعبیر می‌کنند: «تمیشود قبول کرد که ما یک مجموعه‌ی فرهنگی داریم که آن را به عنوان قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی و کارزار فرهنگی قرار داده‌ایم - یک چنین کارزاری در همه‌ی ادوار و در همه‌ی کشورها اجتناب‌ناپذیر است - در عین حال، در این قرارگاه اصلی، بی-نشاطی یا رکود یا عدم پیشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ این را من اصلاً تصور نمیتوانم بکنم.»^{۳۴}

با توجه به بافت ساختاری شورای عالی انقلاب فرهنگی که متشکل از شخصیت‌های حقوقی و حقیقی است، می‌توان به لزوم غلبه‌ی نگاه فرهنگی در مدیریت کشور و اصالت فرهنگ در منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب پی‌برد.

۲,۳. خاستگاه آتش به اختیار

باید توجه داشت که رهبر انقلاب در همان جلسه‌ای که لفظ آتش به اختیار را به کار بردند، فرمودند: «من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار.» این استمرار در مخاطب نشانگر عدم بداعت یک مفهوم است، به عبارت دیگر اینکه رهبری می‌فرماید «مرتباً می‌گویم» حاکی از وجود یک اصل ضروری است که پیوسته مورد توجه و مطالبه‌ی معظم له قرار گرفته است.

به نظر میرسد پیشینه‌ی مفهوم «آتش به اختیار» به همان روزهایی بر میگردد که رهبری معظم، شیپور جنگ نرم و تهاجم فرهنگی را نواختند، همان روزهایی که عده‌ای اصل این جنگ تمام عیار و شبیخون فرهنگی را به دلیل عدم حضور

۳۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

۳۴. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۴/۱۰/۱۳

فعال در میانه میدان، ناباورانه مورد تردید و خدشه قرار میدادند و اساساً رزم‌آرایی دشمن در این نبرد اراده‌ها را باور نداشتند، تا جایی که رهبری معظم بارها فرمودند: «جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را میبینم؛ چه بکنم اگر کسی نمیبیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم میبینم صحنه را، میبینم تجهیز راه، میبینم صف‌آراییها را، میبینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند را؛ اینها را انسان دارد میبیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه‌ی مشخصی است.»^{۳۵}

شاید در ابتدا ارتباط واضحی بین تهاجم فرهنگی و پیشینه آتش به اختیار به نظر نرسد، اما حقیقت این است که «التزام به یک شیء، مستلزم التزام به جمیع لوازم آن شیء است»؛ به بیان دیگر یکی از هنرهای ولایت‌مداری و افسری جنگ نرم این است که وقتی فرمانده تحقق امری را مطالبه میکند، باید برای امتثال درست و کامل آن امر، تمامی لوازم آن را - گرچه خود فرمانده صراحتاً بیان نکند - فراهم سازد.^{۳۶} اگر «آتش به اختیار» همان «کار فرهنگی خودجوش و تمییز» است که هست، باید توجه داشت که ضرورت کار فرهنگی خودجوش و تمییز با شروع نبرد نامتقارن و تمام‌عیار فرهنگی رخ می‌نماید. چرا که وقتی دشمن با

۳۵. بیانات در دیدار جمعی از شعرا (۱۳۸۸/۶/۱۴)

۳۶. توصیه‌ای که ما به تشکلهای می‌کنیم، این است که حضور داشته باشند؛ حضور. مقصود فقط حضور جسمانی نیست؛ هم حضور فکری، هم حضور بیانی... من که گفتم شما افسر جنگ نرمید، خب اینها لازمه‌ی افسری جنگ نرم است. اینها جنگ نرم است؛ در جنگ نرم، همیشه که در موضع دفاع نباید انسان قرار بگیرد، در موضع تهاجم [هم] باید قرار بگیرد؛ ۱۳۹۵/۴/۱۲

تمام قوا و تجهیزات لجستیکی و نرم‌افزاری خود وارد یک نبرد نابرابر فرهنگی میشود، باید در مقابل او تمام قد ایستاد. جایی که فرمانده با تمام توان مشغول مجاهدت است، افسران جنگ نرم هم با اتخاذ موضع تهاجمی و تدافعی توامان، نباید لحظه‌ای از تلاش و کار خودجوش فرهنگی دریغ ورزند: «من گفتم من شمشیر را کشیدم، مشغولیم، ما از چپ و راست داریم میزنیم؛... منتها نوع شمشیر امروز و نوع میدان امروز با نوع میدان آن سالهای اول تفاوت دارد؛ ما در جنگ نرمیم؛ در جنگ سیاسی هستیم، در جنگ فرهنگی هستیم، در جنگ امنیتی و نفوذی هستیم.»^{۳۷}

البته نباید از این نکته غفلت نمود که ضرورت «کار فرهنگی خودجوش و تمییز» به عنوان یک اصل مسلم و مستمر وجود دارد، اما شدت و حدت این امر، علاوه بر تحرکات بیرونی که از ناحیه‌ی دشمن وجود دارد، به متغیرهای داخلی زیادی بستگی دارد. مواردی مانند انقطاع، اختلال و تعطیلی قرارگاه مرکزی که نه تنها نباید منجر به ایستایی و عدم تحرک افسران جنگ نرم شود، بلکه اهمیت و ضرورت کار فرهنگی خودجوش را مضاعف خواهد کرد و یکی از حکمت‌های استفاده از اصطلاح آتش به اختیار، تلنگر و تنبیهی است که برای بیداری و هوشیاری هر چه بیشتر نیروها و تلاش حداکثری برای شکوفایی ظرفیتها در این برهه‌ی حساس از زمان نیاز است. اتخاذ این رویکرد در گفتمان‌سازی، در واقع نشان‌دهنده درجه والایی از بلاغت و مقام‌شناسی است که یک مفهوم واحد با الفاظ متکثر، متناسب با اقتضائات زمانی و خطابی، در جامعه مطرح شود و این خود در بسط مفهومی گفتمان مورد نظر تاثیر بسیاری دارد. (لکل قال مقال). پس روشن شد که «آتش به اختیار» در واقع تاسیس امر جدید نیست، بلکه تاکید امر سابق است.

۳۷. بیانات در دیدار شاعران (۱۳۹۵/۳/۳۱)

۳. ضرورت راهبرد آتش به اختیار

با توجه به اینکه جنبه‌ی اصیل انقلاب ما اساساً فرهنگی بوده و هست، پس می‌توان گفت: اصل انقلاب یک کار فرهنگی خوجوش و تمیز بوده. به همین خاطر آتش به اختیار به عنوان الگوی مطلوب حدوث و بقای این انقلاب، یک راهبرد دائمی و مستمر است.

نکته‌ی دیگر اینکه با توجه به سرشت و ماهیت فرهنگ که قابل تحمیل و تحکّم نیست و همچنین قابل اتساع است^{۳۸} و نیز هجمه‌ی سنگین دشمن در این نبرد نامتقارن و تمام عیار که عمدتاً بنیان‌های فرهنگی را هدف گرفته است، اساساً نمیتوان زمانی را فرض کرد که کار فرهنگی خودجوش و تمیز ضرورت نداشته باشد: «ما مواجهیم با یک حمله‌ی همه‌جانبه‌ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می‌گویم، قاعدتاً از من قبول میکنید، لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ من دارم میبینم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه‌ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوانها بخصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار میکنند. خب، در مقابل اینها کارهایی دارد انجام می‌گیرد؟!»^{۳۹}

پس اساساً آتش به اختیاری در این نبرد نامتقارن فرهنگی یکی از لوازم لاینفک این مجاهده‌ی فرهنگی است، البته در هر زمانی به نسبت پیوستگی قرارگاه، افسران و شرایط میدانی، شدت و حدت آن متفاوت است و به طور طبیعی هر

۳۸. رجوع شود به ابتدای کتاب دغدغه‌های فرهنگی

۳۹. بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری: ۱۳/۰۷/۱۳۹۴

چقدر شعاع و سعه‌ی وجودی انقلاب گسترده‌تر شود، دشمنی‌ها و کینه‌ها برجسته‌تر خواهد شد و شاید به این خاطر است که رهبر انقلاب با گذشت زمان سیر صعودی و تکاملی فعالیت‌های خودجوش را فوری‌تر و واجب‌تر میدانند.^{۴۰} راهبرد آتش‌به‌اختیار در واقع به معنای اتخاذ موضع فعال و تهاجمی در عرصه‌ی فرهنگ و نوعی جهاد ابتدایی است، نه صرفاً اتخاذ موضع منفعلانه و دفاعی.

۴۰. «هر چه زمان می‌گذرد، تجمّع اصحاب حق را واجب‌تر و فوریت‌ر احساس میکنم.» بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور: ۲۲/۰۴/۱۳۷۳

۴. فلسفه استفاده از تعابیر نظامی در عرصه‌ی فرهنگ

استفاده‌ی از نمادهای نظامی و جنگ سخت در عرصه‌ی فرهنگ در ادبیات رهبر معظم انقلاب، مسبوق به سابقه است؛ تعبیراتی مانند شیخون فرهنگی، جنگ نرم، آفند، پدافند، تهاجم فرهنگی... که البته دشمن هم از این ادبیات استفاده می‌کند، خانم عرصه‌ی فرهنگ که امروزه یکی از عرصه‌های مهم و اصیل جهاد است، دارای اقتضات و ویژگی‌های خاص خود است که امروزه به صورت تمام عیار، آماج تهاجم و صحنه‌ی جنگ نرم است. در تهاجم فرهنگی مولفه‌ها-یی وجود دارد که بر خلاف جنگ سخت - که عینی و محسوس است - ترسیم صحنه نبرد را بسیار دشوار میکند. به صورتی که جز دیده‌های نافذ و دل‌های بیدار نمیتوانند عمق فاجعه و تحرکات دشمن را ببینند و رصد کنند. ویژگی‌هایی مانند بنیان‌گرا بودن^۱، تدریجی و بی سر و صدا بودن^۲، عینیت نداشتن^۳ و توأم با ظرائف و پیچیدگی‌های خاص بودن^۴، پر شمول و فراگیر بودن^۵.

۱. «جنگ سخت، جز در موارد معدودی، اثرات کوتاه مدتی بر جامعه هدف برجای میگذارد، در حالی که اثرات جنگ نرم، به ویژه در بعد فرهنگی، اثرات عمیق دارد. چه، ممکن است موجب دگرگونی و تغییر هویت، روح و سیرت یک نظام سیاسی شود.» (دیدار با دانشجویان و استادان استان قزوین، ۱۳۸۲)
۲. «تهاجم فرهنگی، مثل خودِ کار فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است.» (بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۰۵/۲۱)
۳. «در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است.» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۲)
۴. «جنگ نرم پیچیده، چند لایه و چند وجهی است. این جنگ لایه‌های شناختی، عاطفی، هیجانی، اجتماعی، معنوی، روانی و حتی جسمانی مخاطبان را آماج قرار میدهد. از همین روی تشخیص آنها کار دشواری است.» (دیدار با دانشجویان و استادان استان قزوین، ۱۳۸۲)
۵. «جنگ سخت اغلب گروه محدودی از افراد جامعه، معمولاً نظامیان را آماج قرار میدهد. در حالی که جنگ نرم بر تمامی گروه‌های جامعه تأثیر میگذارد. مرجع امنیت، در حوزه جنگ سخت، سرزمین و دولتهاست. در حالی که در جنگ نرم مردمان و نخبگان کشور هدف است. تهاجم فرهنگی عرصه‌های متنوع دارد. طبعاً مقابله با آنها نیز متنوع است.» (بیانات رهبری معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

بنابراین از طرفی یکی از دشواری‌های رهبری انقلاب، ترسیم این فضا با اقتضات خاص خود و از طرف دیگر، ترویج گفتمان جهاد و بسط مفاهیم آن، به عنوان مفاهیم محافظ و بنیادین در جامعه، بهترین راه غلبه و نصرت در این مجاهده‌ی فراگیر، پیچیده و ظریف است. به بیان دیگر با نهادینه کردن فرهنگ جهاد به مثابه یکی از منابع سرشارِ قدرتِ نرم، می‌توان جامعه را در مقابل خطرات این نبرد بنیان‌سوز، مقاوم نمود. اهمیت این قضیه در کلام رهبری معظم چنین تبیین شده است: «مملکت، مملکت جهاد فی سبیل الله است. از این جهت، بنده که بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم بینم کجا شعله‌ی جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم؛ بینم کجا اشتباه کاری میشود، جلویش را بگیرم. مسئولیت اصلی حقیر همینهاست.»^۱

به همین خاطر یکی از موثرترین راهها برای تنبّه و مقاوم‌سازی فرهنگی، استفاده از تعابیر، اصطلاحات و نمادهای جنگ سخت - از باب تشبیه معقول به محسوس - است؛ چرا که بارزترین مصداق جهاد که برای همه ملموس و عینی است، جنگ سخت (قتال) است.^۲

البته باید توجه داشت که دمیدن روح جهاد در عرصه‌ی فرهنگ که نتیجه‌اش تلاش، تحرک و پویایی حداکثری است با به اصطلاح «پلیسی کردن» عرصه‌ی فرهنگ دو مقوله جدا از هم هستند و نباید بین این دو خلط شود: «بنده طرفدار جزم‌اندیشی، فشار و اختناق در عرصه‌ی فرهنگ نیستیم، بلکه به آزاداندیشی

۱. بیانات در جمع فرماندهان لشکر محمد رسول الله، ۲۰/۳/۱۳۷۵

۲. خلق تعابیری مانند: «جبهه بندی فرهنگی» (۱۳۶۸/۸/۷)، «شبیخون فرهنگی» (۱۳۷۱/۴/۲۲)، «سنگر فرهنگی» (۱۳۷۲ /۵/۸)، «لشکر فرهنگی و لشکر سیاسی دشمن» (۱۳/۰۷/۱۳۹۴) «افسران جنگ نرم» و جملاتی مانند: «خرم‌شهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، بلکه» [در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است». (۰۳/۰۳/۱۳۹۵) و نیز دهها تعبیر دیگر در همین راستا تفسیر می‌شود.

اعتقاد راسخ دارم، اما آزاداندیشی به معنای ولنگاری و اجازه دادن به دشمن برای لطمه زدن نیست.»^۱

۴.۱. شواهد دینی استفاده از ادبیات نظامی در عرصه فرهنگ

با جستجو در متون دینی و ادبیات موجود در فرهنگ قرآن و روایات به وضوح استفاده از نمادها و تعبیرات مربوط به جنگ سخت، برای انتقال بسیاری از ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی، به چشم می‌خورد. ذات مقدس پروردگار به عنوان خالق کلام و بلاغت و همچنین ائمه‌ی معصومین به عنوان «امراء کلام» می‌توانند بهترین الگوی فصاحت و بلاغت باشند. به طور نمونه به چند مورد از این نحوه استعمال اشاره میشود:

محراب: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» واژه‌ی محراب به عنوان یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در ادبیات دینی به محل اقامه‌ی نماز امام جماعت اطلاق می‌شود. این واژه در بردارنده‌ی معانی عمیقی است که در واقع حاکی از آرایش جنگی یک جمع مومن است.

سلاح اشک: در دعای کمیل، حضرت امیرالمومنین^(ع) با خداوند متعال این‌گونه مناجات می‌کند؛ «ارْحَمْ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سَلَّاحُهُ الْبُكَاءُ» خدایا! رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید و سلاحش اشک است. تعبیر لطیف سلاح اشک در کلام حضرت بیانگر کاربرد و نقش اشک در تجهیز و قدرت روحی حاصل از آن است که در میدان مبارزه‌ی با نفس و جهاد اکبر اهمیت ویژه‌ای دارد.

تهاجم شبهات: «العالمُ بزمانه لا تهجمُ علیه اللوابسُ» کسی که به زمانه‌اش آگاه است، شبهات بر او هجوم نمی‌آورد. در اینجا نیز با توجه به غیر محسوس

۱. ۰۳/۰۶/۱۳۹۵ دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت با رهبر انقلاب

۲. آیه‌ی ۳۷ سوره‌ال عمران

۳. الشیخ الكلینی، الکافی- چاپ دارالحدیث، ج ۱، ص ۲۷

بودن شبهات و از طرفی بنیان‌کن بودن آنان با استفاده از کلمه‌ی «هجوم» اهمیت شناخت زمان به مثابه ظرف وقوعی شبهات را برای هرگونه مقابله‌ی تدافعی یا تهاجمی، گوشزد می‌کند.

تیر نگاه به نامحرم: در روایات نگاه به نامحرم به دلیل تاثیر منفی شدیدی که دارد، به تیر زهرآلود تشبیه شده است: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِّنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ»

نکته قابل ذکر این است که استفاده از ادبیات نظامی در بین غربی‌ها هم رواج دارد؛ به طور مثال نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی این ایادی استکبار بودند که تعبیر «جنگ تمدن‌ها» را برای مقابله با انقلاب اسلامی به کار بردند. متأسفانه خودباختگی فرهنگی در حدی است که غربگرایان استعمال واژه‌ی «جنگ سرد» را در ادبیات سیاسی جهان بی‌عیب و نقص میدانند و خلق تعبیر «ناتوی فرهنگی» توسط خانم «فرانسیس استیونر ساندرز» را در کتاب «جنگ سرد فرهنگی» در سال ۱۹۹۹ می‌ستایند، اما تشکیل «جبهه فرهنگی» و فرمان حکیمانه «آتش به اختیار» را مصداق بارز مدیریت نظامی در عرصه‌ی فرهنگ، قلمداد می‌کنند.^۲

استعمال واژه‌ی آتش‌به‌اختیار - که یکی از اصطلاحات جنگ سخت و جهاد نظامی است - در عرصه‌ی فرهنگ یک استعمال مجازی و از باب استعاره است. البته ذکر این نکته بسیار مهم است که استعمال اصل مفهوم «جهاد» در عرصه‌ی فرهنگ، برخلاف تصور رایج، استعمال حقیقی است - نه استعمال مجازی و از باب استعاره - این تصور غلط، ناشی از خلط مفهوم جهاد و مقاتله است، در حالی که جهاد اعم از مقاتله است و دارای انواع متعددی است که یک نوع آن

۱. همان، جلد ۱۱، صفحه ۲۸۹

۲. چه کسانی هستند؟

جهاد فرهنگی است و شامل انواع دیگری مانند جهاد نظامی، اقتصادی و علمی و... می باشد.^۱

آتش به اختیار در عرصه‌ی فرهنگ، به حالتی اطلاق میشود که نهادهای فکری و فرهنگی به مثابه قرارگاه مرکزی به دلیل ابتلا به اختلال - که از جمله علائم آن اصلی کردن فرعیات، تعطیلی و یا قطع ارتباط با لایه های عملیاتی (افسران جوان) از انجام صحیح وظایف خود عاجزند، در این صورت به جای تعطل و توقف، فرمانده دستور آتش به اختیار صادر میکند^۲ و نیروها را با تکیه بر اصول و محکمات عقلی، شرعی و قانونی به صورت «کار فرهنگی خودجوش و تمییز»^۳ به میدان فرا خوانده و شکوفا میکند. البته نباید از این نکته غافل شد که صدور فرمان آتش به اختیار منحصر به این حالت نیست، توضیح این مطلب در بخش‌های بعد خواهد آمد.

۱. «مجاهدت هم اعم از مقاتله است؛ مقاتله یعنی جنگ نظامی، مجاهدت مجموعه‌ای از انواع مبارزه‌ها است؛ جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموع اینها اسمش مجاهدت است.» (بیانات ۱۳۹۲/۸/۲)

۲. «مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت میکنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن‌وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم.» ۱۷/۰۳/۱۳۹۶

۳. «توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شغفتم این را که بعضی‌ها میگویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم؛ هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.» ۱۷/۰۳/۱۳۹۶ (این مطلب در سطور پیشین آمده و لذا آوردن مجدد آن زائد و تکرار است.)

۴. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۶/۰۴/۰۵

۵. چرایی طرح مفهوم آتش به اختیار

چرایی طرح مفهوم آتش به اختیار را می‌توان در دو دسته‌ی عوامل سلبی و ایجابی تقسیم نمود. عوامل سلبی طرح این مفهوم عبارتند از:

۵.۱. اختلال

«گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند...»؛ اختلال نتیجه‌ی اغواگری شیطان است که از طریق تصرف در دستگاه عقل یا فطرت، دستگاه محاسباتی انسان را از مسیر درستش منحرف می‌کند، در نتیجه اراده‌ی انسان دچار تصمیمات غلط می‌شود: «کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه‌ی شما - شیطان این است دیگر - نقطه‌ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه‌ی مقابل است: *إِنَّ تَقْوَا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا*؛ تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را میدهد. در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر [میفرماید]: *وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِكُمُ اللَّهُ*؛ تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند».

«اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی می‌گیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آن وقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید.»^۱

اختلال در دستگاه محاسباتی ما که هدف اصلی دشمن در مواجهه‌ی اولیه با ماست، ریشه‌ها و زمینه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد که میتوان به مهمترین آنها اشاره کرد:

۱. نفوذ دشمن: «مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف

این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند.»

۲. محاسبات صرفاً مادی: «من همین‌جا تأکید کنم: یکی از خطاهای

محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی راه سنتهای الهی راه سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است.» رزق لایحتسب را همیشه در محاسباتان به‌طور اجمال در نظر داشته باشید. درست است که محاسبات عقلانی و مادی، تأثیرگذارند، در این شکی نیست، و لازمند - هیچ آموزشی از آموزشهای اسلام به ما نمیگوید که محاسبات عقلانی نکنید، محاسبات فکری و مادی انجام ندهید؛ نه، حتماً باید محاسبه کرد - اما یک جایی هم باز بگذارید برای محاسباتی فراتر از مسائل مادی؛ فراتر از آنچه به عقل انسان میرسد»؛ ۱۹/۱۱/۱۳۹۵

۳. بی‌خیالی و سهل‌اندیشی: مواجهه‌ی سهل‌انگارانه و منفعلانه با دشمن

منجر به وقوع خطاهای فاحش محاسباتی خواهد شد، لذا قرآن علاوه بر معرفی مکرر شیطان به عنوان دشمن، مومنین را در مقام جبهه‌گیری و مواجهه‌ی فعال با او قرار می‌دهد: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۲

۱. «هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکرد، درست کار نکرد و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید.» (نیازمند سند)

۲. آیه‌ی ۶ سوره‌ی فاطر

گاهی اوقات ریشه‌ی مشکلات به همین انفعال محاسباتی برمی‌گردد و مشکل اینجاست که افرادی که دچار انفعال محاسباتی هستند، اگر چه در اقلیتند، ولی فعالند، به عبارت دیگر یک اقلیت منفعل فعال بسیار می‌توانند مشکل‌زا باشند.

۴. تهدید و تطمیع: «تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است»؛ ۱۶/۰۴/۱۳۹۳ از جمله مصادیق اختلال، اصلی کردن فرعیات است: «این‌همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها - اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این‌جوری میشود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، میشود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری میکنند! پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت میکنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن‌وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم.»^۱

۵.۲. تعطیلی

«گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها... دچار تعطیلند.»

مفهوم تعطیلی دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ را شاید بتوان ترجمان «ولنگاری فرهنگی» (ولنگاری به معنای بی‌برنامه‌گی و آزادی بدون ضابطه

است.) دانست، ولنگاری را می‌توان به معنای بی‌برنامه‌گی و بی‌اهتمامی در عرصه‌ی فرهنگ و یا آزادی بدون ضابطه دانست که پیش از این، مورد مواخذه و معاتبه‌ی رهبر معظم انقلاب قرار گرفته شده است: «برادران عزیز، خواهران عزیز! در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری میکنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی میکنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی میکنیم.»^۲

این ولنگاری و بی‌اهتمامی در عرصه‌ی فرهنگ، یک عارضه‌ی فراگیر است که ناشی از عوامل متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از: جدی نگرفتن تهاجم فرهنگی دشمن^۳، وادادگی مدیران^۴ و عدم مواجهه‌ی با کارزار فکری و فرهنگی دشمن در قامت دولت اسلامی^۵.

نتیجه‌ی طبیعی ولنگاری، کم‌کاری^۶، ضعف و اهمال است؛ هم در مقوله‌ی آفندی یعنی اتخاذ موضع تهاجمی که با کار تولیدی مبتنی بر جوهره‌ی انقلابی و

۱. «نه بی‌برنامه‌گی و ولنگاری فرهنگی، نه جزم اندیشی و تحجر و استبداد فرهنگی؛ هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم.» (۱۳۹۵/۰۶/۰۳)

۲. ۱۶/۰۳/۱۳۹۵.

۳. «من هفت، هشت سال پیش، مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم؛ اما خیلی‌ها با این قضیه برخورد تندی کردند و گفتند تهاجم فرهنگی چیست؛ در حالی که یک واقعیت بسیار مهم، حساس و خطرناک است. غریبها سعی می‌کنند عرفهای فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند.» (۲۲/۱۲/۱۳۷۹)

۴. «وادادگی مدیران، یکی از مهمترین و مؤثرترین و مضرترین عواملی است که دستگاه‌های فرهنگی را به انحراف می‌کشاند. وقتی که دستگاه فرهنگی منحرف شد، نتیجه‌اش در بیرون معلوم می‌شود.» (۲۲/۱۲/۱۳۷۹)

۵. «اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه‌ی کارزار فکری درست عمل نمیکنند. کارزار فکری باید باشد.» (۰۸/۰۶/۱۳۸۴)

۶. «ما کم‌کاری داشتیم؛ اینها را معرفی نکردیم. خیلی کار میشد کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همه‌ی ما دچار کم‌کاری هستیم و به نظر میرسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش؛ این جوانهایی که می‌بینید در اطراف کشور به‌طور خودجوش کارهایی انجام میدهند - کارهای

حمایت از رویش های فرهنگی مقدور می شود و هم در مقوله ی پدافندی، به معنای اتخاذ موضع تدافعی و ممانعت از ضربات و حملات دشمن!

۳.۵. انقطاع

«اگر چنانچه رابطه ی قرارگاه قطع شد... اینجا فرمانده دستور آتش به اختیار می دهد.» انقطاع رابطه ی قرارگاه مرکزی از افسر جوان جنگ نرم، همواره یکی از دغدغه ها و نگرانی های جدی رهبر معظم انقلاب بوده و هست: «بارها تأسف خوردیم که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی اعتنایی شود؟! اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند، اما به اینها بی اعتنایی میشود. وقتی که انسان مطلب را به درستی کاوش می کند، می بیند سر رشته می رسد به اراده خباثت آمیزی در نقطه ای! مسؤولین هم متوجه نیستند. مسؤولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام می گیرند، بی خبرند؛ لذا این جوان، این مجموعه جوانان و این جریانها را ناامید می کنند.»^۳

قرآن مجید از زبان پیامبر اکرم (ص) طرد جناح مومن را نکوهش و نفی می فرماید: «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا: من هرگز طرد کننده مومنین نیستم.» در واقع طرد نیروی جوان مومن به هیچ عنوانی، چه مسائل قبیله ای و حزبی و چه اختلاف

فرهنگی انجام می دهند، کارهای هنری انجام می دهند، حقایقی را احیاء می کنند، استعدادهایی را بروز می دهند، از استعدادهای بالفعلی استفاده می کنند - این کار را هم آنها باید بکنند.» (بیانات در دیدار خانواده های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده های شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۰۴/۰۶)

۱. «دو مقوله است، مقوله ی آفند و پدافند؛ ما در زمینه ی فرهنگ، هم در مورد آفند ضعیف عمل می کنیم، هم در مورد پدافند ضعیف عمل می کنیم؛... راه صحیح این است که برنامه ریزی کنیم، هدایت کنیم، کمک کنیم به رویش های خوب، و جلوی ضربه ها و حملات و مانند اینها را بگیریم؛ یعنی هم آفند، هم پدافند.» (بدون تاریخ؟)

۲. ۹۶/۳/۱۷.

۳. ۲۱/۰۵/۱۳۷۱.

نظرها و سلايق مختلفِ سياسي، فرهنگي، مجاز نيست. چرا كه استحڪام تشكيلاتي ايماني، در گرو وجود عناصر مومن، دغدغه‌مند و كارآمدی است كه ضامن حيات و پويایی تشكيلات است. لذا آغوش دستگاہ‌های دولتي بايد به روي جناح مومن انقلابي، همواره باز باشد: «دستگاہ‌های دولتي، آنهایی كه مربوط به فرهنگند، به جای اينكه آغوش خود را به روي كسانی كه نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامي را، نه ارزشهای اسلامي را [باز كنند]، آغوش خود را به روي بچه‌مسلمانها، به روي جوانهای مؤمن، به روي بچه‌های انقلابي، به روي بچه‌های حزب‌اللهی باز كنند؛ اينها ميتوانند كار كنند و دارند كار ميكند؛ كارهای فرهنگي بالارزشي دارد انجام ميگيرد. در همهي زمينه‌ها جوانان انقلابي ما ميتوانند تلاش كنند، كار كنند.»^۱

اين اهمال و ولنگاري فرهنگي در حدي است كه متاسفانه علي‌رغم تاكيد رهبر معظم انقلاب و تكليف كردن معظم له بر يك عده، ادای تكليف در مورد اين مسئله‌ی حساس و حياتي انجام نگرفته است: «در طول اين سالها به افراد متعددي من تكليف كردم برويد و اين تشكلهای مردمی، اين مجموعه‌ها، اين واحدهای مردمی را كه خودشان دارند كار فرهنگي ميكند، برويد اينها را پيدا كنيد، تشويق كنيد، متشكل كنيد، در حدود ممكن پشتيباني كنيد؛ نتوانستند.»^۲

عوامل ايجابي عبارتند از:

۵،۴. فن آوري استخراج و به كارگيري ظرفيتها

در جهان‌بینی اسلامي، ولايت فقيه امتداد خط نبوت و امامت و پرتویی از اين مسير است. سبك رهبري انبياء و اولياء الهی مبتنی بر فعال نمودن ظرفيتهاي

۱. ۰۷/۰۱/۱۳۹۵.

۲. مطرح شده در دیدار دوم اردیبهشت سال ۱۳۹۲ كه تعدادی از فعالان تشكلی های فرهنگي توفيق شرفيایی به محضر مقام معظم رهبري (مدظله العالی) را می يابند. شرح اين دیدار، در كتاب «قرارگاه های فرهنگي» منتشر شده است.

درونی و به تعبیر امیرالمومنین^(ع)، اثاره‌ی عقول است: «و یشیروا لهم دفائن العقول»؛ پیغمبران مبعوث شدند تا دینه‌ها و گنجینه‌های خرد را در دل و باطن انسانها برآشوبند، آنها را استخراج کنند.^۱ شیوه‌ی رهبری در نظام ولایت فقیه به مثابه امتداد این مسیر، برگرفته از همین روش است. در حقیقت مردم به عنوان معادن طلا و نقره، النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ^۲ نیاز به استخراج و اکتشاف دارند، فن آوری استخراج این معادن در اختیار ولی خداست که فانی فی الله و خلیفه الله است، برخلاف حکومت طاغوت که هدف آن استثمار، استعمار و استخفاف مردم است: همان‌طور که خداوند در مورد فرعون می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ»^۳. آتش‌به‌اختیار در واقع یک راهبرد مهم برای استخراج، اکتشاف و شکوفایی ظرفیت‌ها و ممانعت از هر گونه انسداد در عرصه فرهنگ است.

۵.۵. پیوستگی جامعه‌ی ولایی و نفی دیوان سالاری فرهنگی

در جامعه‌ی ولایی با توجه به معنای ولایت، پیوستگی حداکثری وجود دارد: «در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جهه‌گی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جوایب یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هر چه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطبهای دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی: ۲۹/۰۳/۱۳۹۱

۲. الکافی، خطبه‌ی لأمیر المؤمنین ع ص: ۷۳

نقته الاسلام کلینی، الکافی، ۸ جلد (شیوه ارجاع باید مطابق این الگو باشد: نام و نام خانوادگی نویسنده، عنوان

کتاب، شماره جلد، شماره صفحه)

۳. زحرف، ۵۴

می‌گویند ولایت.^۱ در این جامعه‌ی الهی که قرآن تصویر میکند، استحکام و پیوستگی جامعه به گونه‌ای وثیق و عمیق است که اتصال و ائتلاف میان سطوح مختلف راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی برقرار است: «همین جبهه‌ی پیوسته [است] که سنگ زاویه‌ی جامعه‌ی اسلامی و پایه‌ی اصلی اُمت اسلامی است»^۲ برخلاف جامعه‌ی طاغوتی که پیوستگی اجتماعی وجود ندارد، ارتباط و اتصال میان سطوح سه‌گانه‌ی مذکور برقرار نیست و نظام دیوان‌سالاری و بروکراسی اداری حاکم است. هر زمانی که سطح تاکتیکی (دستگاه‌های فرهنگی) دچار اختلال شود، پیکره‌ی واحد جامعه دچار خُلل و فُرَجی شده و در نتیجه پیوستگی سطوح سه‌گانه، تضعیف خواهد شد.

در نظام ولایی، یکی از کاربردهای ولایت، ایجاد و تأمین پیوستگی حداکثری جامعه است. به همین دلیل، آتش‌به‌اختیار یک راهبرد پوششی برای تأمین پیوستگی حداکثری جامعه است، نه عامل هرج و مرج و از هم گسیخته‌گی جامعه.

۵،۶. رشد و بالندگی جناح فرهنگی مؤمن انقلابی

جناح فرهنگی مومن انقلابی مردمی خودجوش، به عنوان هویتی فعال و پویا، در کوران حوادث و فتنه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به تعبیر احادیث؛ مانند پاره‌های پولاد؛ زُبرالحدید^۳ مستحکم و نفوذ کننده و نفوذناپذیر شده است. در منظومه‌ی فکری امامین انقلاب، جوان به مثابه‌ی

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، ص ۵۲۰

۲. همان، ص ۴۳۳

۳. شما جوانان باید دائماً هشیار باشید. معارف دینی خود و معارف انقلابی خود را هر چه می‌توانید تعمیق کنید. مثل پاره‌های پولاد؛ «زُبر الحدید» - «آنطوری که در تعبیرات حدیث و در بعضی دعاها وجود دارد - نفوذ ناپذیر و نفوذ کننده و در مقابل دشمن برنده و با اراده‌ی قوی باشید». ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی؛ معجزه‌ی انقلاب^۲ جایگاهی خطیر و والا داشته و دارد؛ این جریان جوان مومن انقلابی، همواره از ابتدای انقلاب تا کنون، دارای سیر صعودی و کمالی بوده است. اگر در یک مقایسه‌ی تطبیقی بخواهیم جوان امروز را با جوان دوران انقلاب مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که: «جوان این نسل، جوان نسل سوّم، از جوان نسل اوّل امیدبخش‌تر است در صورتی که بتواند ایمانش را حفظ کند. جوان نسل اوّل، کسانی بودند که از روی احساسات، از روی هیجان [کار کردند]؛ احساسات بود، احساسات خوبی هم بود و همان احساسات کار کرد، یعنی یک نظام کهن را سرنگون کرد و اسلام را رو آورد؛ این را ما کوچک نمی‌گیریم، اما غالباً دانه‌دانه‌ی افراد — نمی‌گوییم همه — از روی احساسات لانه‌ی جاسوسی را آن روز رفتند و با شجاعت تمام گرفتند، اما بعداً رفتند با آمریکایی‌ها صحبت کردند و عذرخواهی کردند؛ این ناشی از چیست؟ ناشی از کم‌عمق بودن آن انگیزه است. آن انگیزه متکی به یک زیرساخت محکم نبود؛ انگیزه بود، اما زیرساختش محکم نبود. جوانهای امروز — [هرچند] بعضی [از آنها] هستند که بی‌خیال در خیابان راه می‌روند؛ زمان جنگ هم بودند، نه اینکه نبودند — اما آن [جوانی] که دنبال وظیفه می‌رود، می‌فهمد چه کار دارد میکند. یک نمونه‌اش همین حججی است و صدها نمونه، بلکه هزارها نمونه از این قبیل وجود دارد. لذا من به جوان امروز در صورتی که انگیزه و ایمانش درست باشد، اعتماد و امیدم بیشتر است تا به جوان آن روز. شماها آن جوان امروز

۱. «امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی — که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید — در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست... من همین را تکرار میکنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی اینهاست.» ۱۳۹۱/۰۷/۱۲

۲. «جوانانی که نه امام را زیارت کردند، نه دوران دفاع مقدّس را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، این جور در صحنه حاضر باشند، در میدان حاضر باشند و بتوانند در منطقه اثرگذاری کنند؛ این واقعاً یکی از معجزات انقلاب است.» ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

هستید. آینده مال شماها است.»^۱ البته باید توجه داشت که در مقایسه‌ی نسل‌های جوان، باید مقایسه‌ی یک هویت واحد در مقاطع تاریخی صورت گیرد، نه هویت‌های متکثر در مقاطع متنوع تاریخی؛^۲ چرا که این هویت جوان، یک جریان فزاینده و متکامل است که صیوروت دارد و پیوسته در حال صعود و نیل به بلوغ مطلوب است.

همان‌طور که ذکر گردید، ضرورت کار فرهنگی خودجوش و تمییز در همان جریان شکل‌گیری انقلاب و همچنین استمرار آن، یک الگوی مطلوب بوده و هست، اما تأمل در ادبیاتِ تخاطب و طرح این مفهوم، توسط رهبر معظم انقلاب، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که معظم له، به اقتضای قواعد بلاغت، این مفهوم را به نسبت سطح رشد و بلوغ مخاطب، پیوسته مطرح فرموده‌اند. به همین خاطر می‌توان گفت که فرمان آتش‌به‌اختیار، نشان‌گر یک نوع بلوغ، ترفیع رتبه و تشخص جناح فرهنگی مومن انقلابی است که بعد از گذار از دوران ابتلاء، امتحان و فتنه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و سرافرازی در همه‌ی آن‌ها، مخاطب این فرمان خطیر قرار گرفته‌است.

۶. مرزشناسی آتش‌به‌اختیار

در همان ابتدای کتاب، با مشخص شدن تعریف «کار فرهنگی» که جنس تعریف آتش‌به‌اختیار است، مرزشناسی فرمان آتش‌به‌اختیار هم مشخص شد. چرا که آتش‌به‌اختیار، به مثابه یک کنش‌گری اجتماعی، محدود و مرز دارد و در غیر این صورت، انتظام امور مختل خواهد شد. مرز آتش به اختیار، «کار فرهنگی»

۱. ۲۴/۱۰/۱۳۹۶.

۲. «حالا شایع شده که نسل دوم و نسل سوم و نسل چهارم، و هرکس برای خودش نسلی را تصویر و برایش احکامی صادر میکند. نسل سوم با نسل دوم هیچ تفاوتی ندارد. اینها جوان، آرمانخواه، دارای نشاط و نیرو و آماده‌ی حقی‌پذیری‌اند.» ۱۵/۱۱/۱۳۸۱

است. به عبارت دیگر؛ هرگونه کنش‌گری خودجوش و تمیز در عرصه‌ی فرهنگ، متعلق این ماموریت است: «آنچه ما گفتیم [آتش‌به‌اختیار] معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها کار انجام بدهند.»^۱

۷. مخاطب آتش‌به‌اختیار

مخاطب آتش‌به‌اختیار اولاً و بالذات، همه‌ی تشکل‌های انقلابی^۲، هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور^۳ هستند که متشکل از افسران جوان جنگِ نرم‌اند. نکته‌ی قابل توجه این است که از دیدگاه فرمانده‌ی کل قوا، افسران جوان جنگِ نرم، کارویژه و رسالت تعریف شده‌ای دارند: «شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست میبینی؛ با جسم خود و جان خود صحنه را میآزماید. لذا این‌ها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم میبینند، در

۰۵/۰۴/۱۳۹۶ .۱

۲. «من تشکلهایی را میگویم که تحت هر نامی، معتقد به انقلابند، معتقد به دینند، معتقد به نظام اسلامی‌اند، معتقد به این مبارزه‌ی عظیمند؛ تحت هر نامی که هستند فرق نمیکنند؛ خطابم به آنها است.» ۱۷/۰۳/۱۳۹۶

۳. «البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً میگویم؛ هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار.» ۱۷/۰۳/۱۳۹۶

چهارچوب هم کار میکنند...حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید.»^۱

این یک تفسیر انحرافی است که مخاطب آتش‌به‌اختیار را اولاً و بالذات، افراد و آحاد جامعه بدانیم، بله، ثانیاً و بالعرض ممکن است مخاطب آتش‌به‌اختیار، افراد و آحاد باشند، اما عمده این است که افراد، در تشکل‌ها و جبهه‌ی فرهنگی انقلاب می‌توانند به صورت مطلوب ایفای نقش کنند: «از افراد و حتی مجموعه‌ها، به تنهایی کار بر نمی‌آید، باید یک کار وسیع جبهه‌ای انجام داد.»^۲ البته این سخن به معنای این نیست که عمل افراد باید معلق و معطل مجموعه‌ها باشد، بلکه به معنای این است که افراد و آحاد جامعه به حکم «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» باید احساس مسئولیت و تکلیف کنند، در مرحله‌ی بعد مجرای انجام تکلیف، به صورتی که نهایت اثرگذاری را داشته باشد، به صورت جمعی و در قالب تشکل‌ها و جبهه‌گیری‌های اجتماعی مومانه است.

قرآن کریم وقتی مومنان را به اتمصام به حبل الله دعوت می‌کند، همین قاعده را بیان می‌کند: «آیه نمی‌گوید بروید تک‌تک به ریسمان خدایی چنگ بزنید و خودتان را نگه دارید؛ می‌گوید: «واعتصموا بحبل الله جمیعا» همه با هم! این عنصر «همه با هم» بودن چیز مهمی است. اگر ما تک‌تک به ریسمان الهی، به دستاویز الهی، معتصم بشویم فایده‌ی مطلوب به دست نخواهد آمد. باید با هم معتصم بشویم، اگر با هم بودیم درست است. تکیه در این آیه بر روی «اعتصام بحبل الله» نیست؛ تکیه بر روی «جمیعا» است.»^۳

۱. ۰۸/۰۶/۱۳۸۸.

۲. دغدغه‌های فرهنگی ۹۲/۲/۲

۳. گفتاری در تحزب و وحدت، سیدعلی خامنه‌ای، چاپ سوم، اردیبهشت ۹۵، انتشارات حزب جمهوری اسلامی

۸. یک آسیب در فرهنگ سیاسی ما

یکی از آسیب‌های موجود در فرهنگ سیاسی مسئولان کشور، حمل بر جهت‌گیری سیاسی کردن دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب و تنزل و فروکاستن آن‌ها به دعوای حزبی و قبیله‌ای است: «آن دستگاهی که باید در جهت رشد فکری و فرهنگی و عملی انسانها فیلم بسازد و کتاب تولید کند و تمام ابزارهای فرهنگی را در این جهت به کار بیندازد، وقتی می‌بینم که در این زمینه‌ها کم‌کاری دارد، طبیعتاً مورد عتاب من قرار می‌گیرد. این را نباید حمل بر یک جهت‌گیری سیاسی کرد.»^۱ متأسفانه در مسئله‌ی فرهنگ، آسیب‌ها و اختلالات به قدری فراگیر و فراحزبی است که رهبری در دوره‌های مختلف، به صورت پیوسته مسئولین را به همین دلیل، مورد عتاب قرار داده‌اند: «اشکالی که ما همواره به بخش‌های فرهنگی داشته‌ایم، این بوده که به نقش خودشان به عنوان یک دولت اسلامی در صحنه‌ی کارزار فکری درست عمل نمیکنند.»^۲

دامنه‌ی این ولنگاری و بی‌اهتمامی مختص به دستگاه‌های دولتی کشور نیست، متأسفانه دستگاه‌های غیردولتی نیز دچار این آسیب جدی هستند: «برادران عزیز، خواهران عزیز! در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری میکنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیر دولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد.»^۳

۱. ۲۲/۱۲/۱۳۷۹. ۱

۲. ۰۸/۰۶/۱۳۸۴. ۲

۳. ۱۶/۰۳/۱۳۹۵. ۳

۹. چند مصداق آتش به اختیار

تاریخ بیانات	بیانات	نمونه‌ها
۳۱/۰۶/۱۳۸۹	این را من باید اقرار کنم که بسیج سازندگی و یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همین جور بود؛ اول، خود جوانها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها مشغول خدمتگزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهام‌بخش اقدام مدیران و مسئولان است.	اردوهای جهادی
۱۵/۰۷/۱۳۷۷	جهادگران سازندگی در طول بیست سال گذشته همواره پیشرو و مبتکر انجام کارهای بزرگ بوده‌اند	جهاد سازندگی
۰۱/۱۲/۱۳۹۱	[حضرت آیت الله خامنه‌ای]: جشنواره مردمی فیلم عمار، توجه به موضوع دین و معارف دینی و همچنین انقلاب اسلامی و ارزشهای انقلاب در این جشنواره را اقدامی مبارک خواندند	جشنواره عمار
۰۷/۱۰/۱۳۹۵.	در آن حادثه بی‌نظیر، هیچ‌کس	تجمعات

	دست‌اندرکار نبود و قدرت فکری که شاکله اصلی نظام اسلامی است، مردم را به خیابانها کشاند و آن حادثه بی‌نظیر پدید آمد.	خودجوش مردمی مانند ۹دی و ۱۳دی
۳۰/۰۵/۱۳۹۶	به بنده نامه‌هایی نوشته میشود از طریق [واحد] ارتباط مردمی، برای حضور در جبهه‌های جنگ؛ جبهه‌ی جنگ در کجا؟ در سوریه، در حلب! همین‌طور مدام نامه مینویسند، التماس میکنند. بعضی‌ها خودشان التماس میکنند، بعضی‌ها والدینشان التماس میکنند که «جوان ما خیلی بی‌تابی میکند، فلان میکند، شما اینها را بفرستید مثلاً [بروند]». اینها پدیده‌های باورنکردنی است؛	مدافعان حرم
۲۲/۰۸/۱۳۹۶	این واقعاً یک پدیده است...	اربعین و موکب ها

و از آنجاکه دین، مهمترین عنصر شکل‌دهنده فرهنگ است، بنابراین به طور قاطع میتوان گفت بعد فرهنگی مهمترین بعد انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بیش و پیش از هر چیز، یک انقلاب فرهنگی است؛ نه یک انقلاب سیاسی، حقوقی و اقتصادی. البته این به معنای نفی خصلت‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی این انقلاب نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، درس چهارم)

۱۰. آتش به اختیار در کلام امام خمینی

امام در وصیت الهی - سیاسی خود بارها مردم را از بی تفاوتی بر حذر داشته است. در جایی میفرماید: «و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول میباشند و مردم جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند.»^۱

باز در جای دیگر مینویسند: «اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت - از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها - بند اسارت را پاره و سد قدرت ابر قدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود درصدد است بذر نفاق بین آنان افکند، او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تاثیر نکرد، از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند... و مخصوصا اگر در اساتید کسی پیدا شد که میخواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند.»

در جای دیگری از وصیتنامه مینویسند: «و این امر حیاتی [پاکسازی دانشگاه‌ها] باید در مرحله اول با دست پر توان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف نجات کشور و ملت است.»^۲

۱. وصیت نامه‌ی امام خمینی (ره)

۲. وصیت نامه‌ی امام خمینی (ره)

نتیجه‌گیری

رهیافتی که حاصل پژوهش حاضر است، نه صرفاً واکوی ابعاد نظری مفهوم آتش‌به‌اختیار، بلکه تلاش در جهت گفتمان‌سازی و بالتبع صف‌آرایی در قالب جبهه‌ی فرهنگی انقلاب است. آتش به اختیار به مثابه راهبرد مستمر و اساسی نظام ولایی برای بسیج ظرفیت‌ها و استخراج و شکوفایی آنان، حدوثا و بقاء در حیات انقلاب اسلامی نقش‌آفرین است. سیر نظری طرح مفهوم آتش‌به‌اختیار را می‌توان در منظومه‌ی فکری رهبر معظم انقلاب، به این صورت ردیابی کرد که: معظم‌له به عنوان یک متفکر و رهبر زمان‌شناس، مفاهیم محافظ و بنیادین را برای حفظ و بقای نظام به خوبی تبیین می‌نماید. یکی از این مفاهیم بنیادین و محافظ، مفهوم جهاد است؛ این مفهوم در لسان فقهی علماء با مفهوم مقاتله خلط شده است، چرا که جهاد مفهومی عام‌تر از مقاتله است، مقاتله به معنای جنگ سخت و جهاد به معنای اعم از آن به کار می‌رود: جهاد متشکل از دو عنصر است؛ عنصر تلاش حداکثری و عنصر در مقابل دشمن بودن. با لحاظ این دو عنصر می‌توان تمامی مجاهدت‌های علمی و عملی در دو جبهه‌ی جنگ نرم و سخت را تحت اطلاق جهاد تعریف نمود. با ورود این ادبیات و استفاده از نمادهای این ادبیات، عرصه‌ی فرهنگ که عرصه‌ای غیرمحسوس و نامتعیین است، تبدیل به یک میدان وسیع مجاهده، با شور و حرارت ناشی از مفاهیم و نمادهای جهاد می‌شود. آتش‌به‌اختیار به عنوان یکی از این نمادها، نقش عمده‌ای در جریان روحیه‌ی انقلابی دارد که به دنبال آن، تشخیص جناح فرهنگی مومن و خودجوش مردمی منشأ حرکت و پویایی و مانع انسداد فرهنگی خواهد شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، انتشارات اسلامیة، تهران، ۱۳۶۹
۲. صحیفه‌ی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره)
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، گفتاری در تحزب و وحدت، چاپ سوم، اردیبهشت ۵۹، انتشارات حزب جمهوری اسلامی
۴. انتشارات صهبا، دغدغه‌های فرهنگی، چاپ بیست و دوم، اردیبهشت ۱۳۹۰
۵. دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه
۶. خامنه‌ای، علی، ۱۳۹۴ش، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ پنجم، تهران، صهبا
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا
۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی التفسیرالقرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر اسلامی جامعه مدرسین
۹. رستمی محمود، فرهنگ واژه‌های نظامی، انتشارات ایران سبز، چاپ دوم ۱۳۸۶، تهران
۱۰. محمدتقی، مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، چاپ هشتم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)
۱۱. معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه فرهنگی و پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ش، فلسفه انقلابی بودن، چاپ اول، تهران
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه